

کاربست مدل تحلیل رفتار متقابل در حوزه عملیات روانی و قدرت نرم در جنگ‌های نیابتی جهان اسلام

پرویز دلیرپور*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور

چکیده

از دیدگاه سازه‌باوری، به ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌شود. روابط انسانی روابطی اجتماعی هستند و ما پدیدآورنده دنیایی هستیم که در آن زیست می‌کنیم و همین دنیا بر رفتار ما نیز تأثیر می‌گذارد. عملیات روانی که به هدف تأثیرگذاری بر نیروهای خودی بی‌طرف و دشمن توأمان صورت می‌پذیرد، تغییر در واقعیت‌های اجتماعی به کمک تغییر ذهنیت‌ها و باورها مورد نظر است. در نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن مفهوم بازی‌های روانی را بکار می‌گیرد که هدف از آن شناسایی مجموعه تکنیک‌هایی به هدف تحت تأثیر قرار دادن نظام ارزشی و اعتقادی مخاطبان، و هیجانات، انگیزه‌ها، نحوه استدلال یا رفتار آنها است. بازی روانی به هدف اقرار مخاطب علیه خود، یا تقویت نگرش‌ها و رفتارهای مطلوب بازی‌کننده انجام می‌شود و ممکن است با عملیات پنهان‌سازی نیت واقعی یا مجری واقعی عملیات توأم شود؛ بنابراین، در این مقاله با ترکیب دو نظریه سازه‌باوری و تحلیل رفتار متقابل تلاش می‌شود تحلیلی از تکنیک‌های به کار گرفته‌شده در جنگ‌های نیابتی جهان اسلام توسط غرب و متحدان آن ارائه شود. بدین منظور، نه بازی روانی مورد استفاده در عملیات روانی که می‌تواند اثرات بلندمدت حتی در عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و گفتمان‌سازی اجتماعی داشته باشد، مورد شناسایی و تحلیل قرار گرفته در نتیجه نشان خواهیم داد که چگونه اجرای عملیات روانی می‌تواند روابط اجتماعی و حتی گفتمان‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. روش در تحقیق حاضر اسنادی و منطبق بر دو نظریه فوق است.

واژگان کلیدی: سازه‌باوری، تحلیل رفتار متقابل، بازی روانی، عملیات روانی، غرب، جهان اسلام.

۱- مقدمه

قدرت‌های سلطه‌طلب نیک می‌دانند که تنها به یاری سخت‌افزارهای جنگی نمی‌توانند به اهداف و منافع نامشروع خود در جهان اسلام دست یابند؛ بنابراین، می‌کوشند با گشودن جبهه جنگ نرم و تمرکز بر موضوعات فکری، ایدئولوژیک و فرهنگی به اهداف خود دست یابند یکی از مؤلفه‌های مورد علاقه استعمار فرانو، بهره‌گیری از عملیات روانی رسانه‌ای است که قابلیت بسیار بالایی برای نفوذ در افکار عمومی و حتی تغییر رویکردهای اجتماعی و فرهنگی جوامع برخوردار است. (پورهادی و نوری، ۱۳۹۴: ۱۱۸) بنا به تعریف کرلانتریک قدرت نرم «به آن دسته از قابلیت‌ها و توانایی‌های کشور اطلاق می‌شود که با به‌کارگیری ابزارهای چون فرهنگ، آرمان، یا ارزش‌های اخلاقی به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتار یا موجودیت دیگر کشورها اثر می‌گذارد.» (ملکی و حاتمی، ۱۳۹۲: ۶۸)

دکترین مدرن عملیات روان‌شناختی ایالات متحده سه مرحله پیکار روان‌شناختی را از یکدیگر متمایز می‌کند: تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی. در عملیات تاکتیکی تلاش می‌شود «اراده جنگیدن» سربازان دشمن با ورود به نبرد فیزیکی درهم‌شکسته شود درحالی‌که هدف در عملیات روان‌شناختی نه فقط سربازان دشمن، بلکه مردم غیرنظامی در جامعه هدف، مثلاً تمام یا بخشی از جهان اسلام، با استفاده از تکنولوژی‌های عمدتاً رسانه‌ای (انتشار جزوه، رادیو، تلویزیون، حتی اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) به‌مثابه پیکار روان‌شناختی تاکتیکی و استفاده گسترده از این ابزار می‌باشند. عملیات روانی راهبردی ایالات متحده گستره‌ای بین‌المللی، بسیار مدرن با استفاده از اطلاعات دقیق و تکنولوژی‌های ارتباطی پیچیده و وسیع دارد. (Wall, 2014, 288-289)

جنگ نرم را به معنای فروپاشی از درون آورده‌اند که در واقع شامل اقدامات روانی همراه با تبلیغات رسانه‌ای است که «جامعه هدف» یا گروه هدف را نشانه گرفته و با هدف گرفتن فکر و اندیشه ملت‌ها می‌کوشد حلقه‌های همبسته‌کننده فکری و فرهنگی ملت‌ها را از هم گسسته و بدون درگیری نظامی رقیب را به انفعال و شکست وادارد. (ملکی و حاتمی، ۱۳۹۲: ۶۶) هدف نهایی، سرنگون‌سازی اقتدار حاکم است، ولی ممکن است اهداف عملیات براندازی اهداف خردتر باشند. در این حالت تأکید بیشتر روی تضعیف همبستگی اجتماعی، نظام عقاید و اعتماد متقابل اجتماعی به هدف تضعیف همبستگی‌های سازمان‌یافته اجتماعی است. در نبرد نرم، در برابر اقتدار حاکم، گروه‌های رقیب می‌کوشند به کمک رسانه‌ها به‌ویژه در فضای مجازی، روایت‌های کلان اجتماعی و فرهنگی را تغییر و روایت خود را حاکم سازند، زیرا روایت‌ها اساس می‌توانند پیش فهم ما از جهان و درک ذهنی ما از وقایع پیرامونی را دگرگون سازند. (Casebeer and Russel, 2005: 6) اثربخشی عملیات روانی) رابطه مستقیم با قدرت نرم آن کشور دارد، اما مداخله غرب به‌ویژه امریکا در جنگ داخلی سوریه عمدتاً غیرمستقیم و با تقویت نظامی گروه‌های چریکی و استفاده از تاکتیک‌های عملیات روانی توسط بازیگران غیردولتی صورت می‌گیرد.

الف - چیستی قدرت نرم

سازوبرگ لازم در انجام عملیات روانی از امکاناتی حاصل می‌شود که از قدرت نرم یک کشور فراهم می‌آید. پذیرفته‌شده‌ترین تعریف از قدرت نرم عبارت است از توانایی تأثیرگذاری بر احساسات و افکار دیگران برای واداشتن آن‌ها به عکس‌العمل دلخواه است. جوزف نای بر همین اساس می‌گوید قدرت نرم توانایی تحت تأثیر قرار دادن رفتار دیگران برای دستیابی به نتایج دلخواه است.

در علم روابط بین‌الملل، جوزف نای به‌مثابه مهم‌ترین متفکری شناخته می‌شود که عامل قدرت نرم را وارد تحلیل‌های این رشته کرد. «قدرت نرم» نه تنها شما توان ایجاد جذابیت فرهنگی و سیاسی می‌شود، بلکه استفاده از دیپلماسی سنتی، همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی، عملیات روانی، سیاست‌های اعتماد و اطمینان‌سازی دیپلماسی عمومی و انواع مختلف تعاملات چندجانبه را شامل می‌شود؛ بنابراین، قدرت نرم یکی از ابزارهای سازنده ذهنیت کشورها از محیط امنیتی و روانی پیرامون خود است که به دلیل تأثیر فراوانش بر سیاست‌گذاران همچنین افکار عمومی کشورها در عملیات روانی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند.

ب - عملیات روانی

نکته حائز اهمیت در اینجا آن است که اعمال قدرت نرم در قالب اجرای عملیات روانی زمانی برای قدرت مورد نظر مفید و ارزشمند تلقی می‌شود که بتواند اثرات ماندگار اجتماعی در حوزه گفتمان‌سازی و تصمیم‌سازی برجای گذارد. از این رو، باید بین دو مقوله اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت عملیات روانی تفکیک قائل شد؛ در مقاله حاضر، پس از طرح نه‌بازی روانی، در قسمت نتیجه‌گیری بحث خواهد شد که چگونه برخی از انواع بازی‌های روانی به شیوه‌ای پیچیده به همین منظور طراحی و به اجرا گذاشته می‌شوند.

از نظر برخی، جنگ روانی یا عملیات روانی (PSYOP) که تحت عناوین دیگری همچون جنگ سیاسی، رویارویی سیاسی، «قلوب و اذهان» و پروپاگاندا نیز نامیده می‌شود اصطلاحی است برای اشاره به اقداماتی که اساساً توسط روش‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی به هدف برانگیختن نوعی واکنش روان‌شناختی برنامه‌ریزی‌شده در بین مردم یا جمعیت خاصی انجام می‌گیرد (Szunyogh, 1955: online). البته می‌باید بین دو مفهوم تفاوت گذارد به گونه‌ای می‌توان گفت که عملیات روانی متوجه نیروهای خودی بی‌طرف و دشمن توأمان صورت می‌پذیرد، ولی جنگ روانی نیروی دشمن را هدف می‌گیرد. طبعاً این‌گونه عملیات مستلزم اجرای بازی‌های روانی به کمک تکنیک‌های فوق‌مدرنی است که در درجه نخست بتواند در ضمیر ناخودآگاه مخاطبان نفوذ کرده رفتار آنان را تحت تأثیر قرار دهد.

«اریک برن» از برجسته‌ترین و مشهورترین روانکاوان معاصر است که در سال ۱۹۱۰ در مونترآل کانادا متولد شد. او در زمینه روان‌شناسی روابط بین فردی، نظریه‌ای تحت عنوان تحلیل رفتار

متقابل ارائه داد که توسط دیگر روانکاوان توسعه یافت. از جمله خصوصیات نظریه «اریک برن» کاربرد واژگان ساده و همه‌فهم برای بیان نظریه است که حتی موجب شد بسیاری از کارشناسان، با عنوان «روانشناسی عامه» از نظریه او یاد کنند تا جایی که برخی منقدین مدل تحلیل رفتار متقابل را به دلیل سادگی زیاد به انتقاد گرفته‌اند، اما با گذشت زمان و تلاش برخی رهروان «اریک برن»، به تدریج «تحلیل رفتار متقابل»، به جایگاه رفیعی دست یافت. اگرچه مدل تحلیل رفتار متقابل اریک برن تا حد زیادی بر اساس نگرش فروید شکل گرفته است، اما تفاوت‌های بنیادینی بین آن‌ها وجود دارد. اریک برن در مجموع چهار کتاب در مورد تحلیل رفتار متقابل تألیف کرده است که در آن میان کتاب *بازی‌های روانی مردم* در این مقاله، برای تحلیل عملیات روانی و اعمال قدرت نرم در حوزه روانشناسی اجتماعی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

ج- عملیات روانی و نظریه تحلیل رفتار متقابل

اریک برن روانکاو کانادایی پایه‌گذار نظریه تحلیل رفتار متقابل شناخته می‌شود. برن در کتاب *بازی‌ها* به تحلیل ۴۶ بازی روانی دست می‌زند که افراد با شخصیت‌های مختلف در روابط متقابل با دیگران از خود بروز می‌دهند که هدف اصلی آن تحت تأثیر قرار دادن طرف مقابل و رسیدن به مقاصد پنهانی در پس انجام رفتارهای ظاهری فریبکارانه است؛ بنابراین، بازیگر بازی‌های روانی (در این مقاله قدرت‌های سلطه‌گر) تلاش می‌کند با پنهان کردن خواسته‌ها و نیازهای خود به‌طور غیرمستقیم (و با تاکتیک‌های مختلف بازی روانی که در بخش سوم مقاله خواهیم دید)، خود را برحق، برتر، حتی مظلوم و غیره نشان داده بجا و موفقیت خود را تضمین کرده و حتی نظام ارزشی و هنجاری خصم را درهم‌شکسته و با نفوذ بر نخبگان فکری جامعه برای خود سرمایه فرهنگی (به تعبیر بوردیو) کند.

در یک بازی روانی تکنیک‌های بسیاری به هدف تحت تأثیر قرار دادن نظام ارزشی نظام اعتقادی مخاطبان و هیجانانگیزها، نحوه استدلال یا رفتار آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. بازی روانی به هدف اقرار مخاطب علیه خود، یا تقویت نگرش‌ها و رفتارهای مطلوب بازی‌کننده انجام می‌شود و ممکن است با عملیات پنهان‌سازی نیت واقعی یا مجری واقعی عملیات توأم شود. هدف آن تخریب نظام ارزشی جامعه دشمن و به یاس کشاندن نیروهای نظامی او بدون تحمل تلفات نیروهای نظامی خودی در چنین پیکاری است. (Chekinov, 2015:19)

برن معتقد است همه انسان‌ها برنامه‌هایی برای آینده خود دارند و دست به طرح نقشه‌هایی می‌زنند و طبق آن نقشه‌ها به زندگی ادامه می‌دهند. برای نمونه ممکن است فردی در نقش یک قربانی ظاهر شود و بیش‌ازحد فداکار باشد یا فردی ستمگر و سلطه‌گر شود یا تصمیم بگیرد که انسانی سرزنده، با نشاط و موفق باشد. به باور «برن»، تمام رفتارها و برنامه‌های ما هم چون بازی‌های دوران کودکی است با این تفاوت که این قبیل بازی‌ها، کمی پیچیده و سناریوهایی از پیش نوشته شده هستند. بازی‌ها، نشان‌دهنده موضع ما در برابر دنیای بیرون است.

در پیکار نرم، مهاجم، اطلاعات مطلوب خود را برای دستیابی به سه هدف به هم پیوسته به سوی مخاطب روانه می‌سازد: ۱. جلب توجه؛ ۲. برانگیختن هیجانات و احساسات مخاطب؛ ۳. پیشنهاد راه‌حل‌هایی برای بحران (Maliukevičius 2006, 137) و بدین ترتیب قادر می‌شود در «جنگ روایت‌ها» پیروز شود. این مستلزم اجرای بازی‌های روانی برای مات کردن و در تنگنا قرار دادن رقیب و سپس قبولاندن نظرات، عقاید، باورها و نهایتاً به دست گرفتن زمام امور است.

منظور از بازی‌های روانی بد، ایجاد روابطی است که قصد آن ضربه زدن و حقه زدن به دیگران است. بازی‌های روانی، حقه‌ها، کلک‌ها و ترفندهایی است که قدرت خارجی به یاری شناخت گفتمان یا گفتمان‌های موجود در جامعه هر کشور برای سلطه یا جهت‌دهی به افکار عمومی از آن سود می‌برد. در هر بازی بد یا خوب دو پیام و لایه موجود است:

۱. پیام و لایه اجتماعی: یعنی مجری بازی روانی به گونه‌ای حرف می‌زند یا رفتار می‌کند که طرف مقابل احساس کند رفتار یا گفتارش از لحاظ اجتماعی (یا افکار عمومی) قابل قبول یا تأیید است.

۲. پیام و لایه روان‌شناختی: ظاهر حرف و عمل زیباست، اما در لایه‌های زیرین آن (به‌ویژه در عملیات روانی) اهداف آگاهانه بازی روانی مثل انحراف افکار عمومی، ضربه زدن، توهین کردن، خیانت کردن و سوءاستفاده کردن وجود دارد (شمیسا، ۱۳۹۲: ۱۹).

تفاوت اساسی بازی‌های روانی موسوم به *بازی‌های من والد* در نظریه کنش اجتماعی متقابل در سطح روانشناسی فردی^۱ (شمیسا، ۱۳۹۲: ۳۷) با بازی‌های روانی مشابه در عملیات روانی در *اهداف اجتماعی* آن‌ها است.^۲ به عبارت دیگر، در عملیات روانی تلاش می‌شود به کمک رسانه‌ها و فضای سایبری به اهداف کلان اجتماعی از قبیل دگرگونی روایت‌ها، وغیره دست یافته شود. جنگ نرم حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را فرامی‌گیرد.

در عملیات روانی تلاش می‌شود با تأثیر بر باورهای فرد و دگرگون ساختن آن‌ها بخش والد شخصیت (که در نظریه برن کارکرد تعیین واکنش رفتاری فرد را به عهده دارد) رفتارهای اجتماعی دستخوش دگرگونی شود. برای مثال با تقویت بخش والد سرزنشگر می‌توان احساس حقارت یا رفتارهای تهاجمی را در شخص موجب شد.

د- سازه‌نگاری و عملیات روانی

در سازه‌نگاری به «ساخت اجتماعی واقعی» تأکید می‌شود. جهان چیزی است ساخته و ابتدا شده نه چیزی که بتوان آن را طبیعی، مسلم یا پدیده‌ای از پیش تعیین‌شده فرض کرد. به نظر

۱. در این سطح بازی‌ها به سه دسته بازیهای من والد، بازی‌های من کودک و بازی‌های مشترک من والد و من کودک تقسیم می‌شوند.

۲. لازم به ذکر است عمده عناوین بازی‌های روانی مورد استفاده مقاله حاضر از پژوهش دکتر علی شمیسا در کتاب بازی‌های روانی مردم که خود برداشتی از کتاب بازی‌های برن می‌باشد، گرفته شده است.

سازه‌باوران (Constructivism) نظام بین‌الملل نظامی آنارشیک است و امنیت نیز سازه‌ای اجتماعی است. کشورها یکدیگر را بر اساس برداشتی که از هویت خود دارند، دوست یا دشمن تلقی می‌کنند و بنابراین، مفهوم امنیت به برداشت کشورها از وضعیت نظام بین‌الملل بستگی دارد. (Hopf, 1998: 173) از دیدگاه سازه‌باوران، روابط انسانی روابطی اجتماعی هستند و دنیایی که ما پدیدآورنده دنیایی هستیم که در آن زیست می‌کنیم و همین دنیا بر رفتار ما نیز تأثیر می‌گذارد. (Agius, 2013: 88) به عقیده ونت، کنشگران روابط بین‌الملل نهایتاً در چهارچوب انگاره‌ها و ایده‌های جمعی و هویتی با یکدیگر تعامل می‌کنند و در این بستر هویت و نقش خود را در روابط بین‌الملل درمی‌یابند. به نظر ونت سه فرهنگ آنارشی در اذهان و برداشت کشورها از مفهوم آنارشی در روابط بین‌الملل (مفهوم هابزی، لاکی و کانتی از آنارشی) مشخصه تعاملات کشورها با یکدیگر طی دست‌کم سه سده اخیر است. (Wendt, 1998: 260, 372) از دیدگاه سازه‌باوران Constructivism (این واژه سازه‌انگاری نیز ترجمه شده است، ولی نویسنده مقاله حاضر ترجمه سازه‌باوری را معادل مناسب‌تری می‌داند)، ذهنیت‌های افراد نقش عمده‌ای در ساخت اجتماعی واقعیت برجای می‌گذارد. هویت یک کشور از ارزش‌ها، باورها و فرهنگ مشترک بین مردم در یک یا چند کشور خاص حاصل می‌شود و از نظر این مکتب، رفتار دولت‌ها را تعیین می‌کند. از نظر سازه‌باوران هر کشور برداشت خاصی از نقش شایسته همچنین موقعیت خود در روابط بین‌الملل دارد. (Matsumura, 2008: 3) بنابراین، در عصر جدید کشورها با بکار گرفتن عملیات روانی می‌کوشند برداشت‌ها و موقعیت ویژه خود در جهان را نزد سیاست‌گذاران همچنین مردم کشورهای دیگر دستخوش دگرگونی ساخته به اهداف خود دست یابند.

بنابراین، سازه‌باوران میان فرهنگ و امنیت رابطه‌ای دوسویه برقرار می‌سازند و در این میان بین نقش هنجارها، بازیگران و ساختارهای شکل‌گرفته رابطه‌ای دوسویه قائل‌اند. (Farrell, 2002: 57) به عقیده سازه‌باوران انسان‌ها به مقتضای محیط و برداشت خود از واقعیت به تفسیر رویدادهای جدید می‌پردازند و بنابراین، بین سوژه شناسنده و ایزه مورد شناسایی (عین و ذهن) تفاوت و تفکیک خاصی نمی‌توان قائل شد؛ بنابراین، آنان به عوامل شکل‌دهنده به فرهنگ، هویت و جامعه نگاهی خاص دارند. (Smith, 1996: 15) به گفته ونت توزیع قدرت همیشه محاسبات دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما چگونگی این تأثیر به برداشت‌ها و انتظارات ذهنی سیاست‌گذاران و نیز به «توزیع دانشی» بستگی دارد که برداشت‌های آنان از خود و دیگری را به وجود می‌آورد. (Wendt, 1992: 397)

۲- مکانیسم‌های جذب نیرو و اجرای عملیات روانی

الف- محیط فکری و ایدئولوژیک جهان اسلام

انقلاب اسلامی موجب شد ایران از کشوری طرفدار وضع موجود به نیرویی خواستار تغییرات انقلاب در دنیا به‌ویژه جهان اسلام تبدیل شود. از سوی دیگر، اعراب به‌ویژه عربستان که حتی پیش از انقلاب اسلامی نیز ایران را کشوری خواستار برتری و هژمونی در منطقه تصور می‌کردند با افزوده شدن بعد تشیع انقلابی به سیاست خارجی ایران، این کشور را رقیبی ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک برای خود تصور کرده کوشیدند و با آغاز جریان بیداری اسلامی تلاش کردند از سرمایه‌گذاری‌های قبلی خود برای حاکم ساختن تفکرات تکفیری در منطقه سود ببرند. (Mabon, 2013: 3; Nevo, 1998:39)

داعش، النصرة، طالبان و غیره میراث مکاتب و اندیشه‌های تکفیری هستند که از وهابیت و القاعده سرچشمه گرفتند، اما نقش داعش در این میان برجسته‌تر است، زیرا در درون ایدئولوژی تکفیری، جریان تکفیری افراطی‌تری را نیز به وجود آورد. افراط‌گرایی این گروه حاصل ترکیب سلفی‌باوری و جریان دیگر افراطی اسلامی همچون وهابی‌باوری و جنبش الصوهه سعودی (بیداری اسلامی سعودی) بود. (Lacroix, 2011: 42) رهبران الصوهه با نوشتن طومار و برگزاری جلسات مذهبی خواستار نقش بیشتر روحانیون وهابی در امر حکومت، نابودی شیعیان و فارس‌ها، کاهش امتیازات خانواده سلطنتی، شفافیت بیشتر در بودجه عمومی، و مهم‌تر از آن ایجاد جامعه اسلامی محافظه‌کار بر پایه اندیشه‌های سلفی به‌مثابه دیوار دفاعی در برابر هجوم فرهنگی غرب بودند. (en.wikipedia.org)

نقش مؤسسات مذهبی وهابی با حمایت مالی سعودی در تشکیل گروه‌های تکفیری (که احتمالاً از قصد منحرف کردن افکار عمومی در داخل کشور به سمت دشمنان خیالی همچون شیعیان یا قوم پارس مایه می‌گرفته است)، بر کسی پوشیده نیست. در جریان ناآرامی‌های داخلی عراق و سوریه، این مراکز که در کشورهای غرب و منطقه (حتی در دوره قبل از جنگ داخلی سوریه) به ترویج وهابی‌گری و سلفی‌گری در بین جوانان سوری پرداختند. «بخش عمده‌ای از سلفی‌هایی که امروزه بر ضد دولت بشار اسد دست به اسلحه برده‌اند، دانش‌آموخته این مراکز هستند.» (چوکامی و قربانی، ۱۳۹۵: ۳۶)

در پژوهشی که به سفارش پارلمان اروپا انجام شده است نقش انجمن‌های سلفی در مصر، تونس، بوسنی، پاکستان و اندونزی بررسی و از جمله نقش اساسی مؤسسات آموزشی با مدیریت مراکز خیریه اسلامی که توسط دولت‌های عربی خلیج فارس به‌ویژه عربستان تأمین مالی می‌شدند در تجهیز اسب ترویج وهابیت در جهان اسلام را به‌خوبی نشان می‌دهد. برای نمونه در دهه ۱۹۹۰، بورسیه‌های مختلفی به دانشجویان مسلمان بوسنیایی برای تحصیل در رشته‌های مختلف مطالعات اسلامی داده می‌شد. در این میان در سال ۲۰۰۲، ۱۰۷ دانشجوی عربستان، ۶۰ نفر در سوریه، ۳۸

نفر در مصر، ۳۴ نفر در اردن، ۲۸ نفر در عراق، ۱۱ نفر در ترکیه و ۱ نفر در پاکستان مشغول به تحصیل بودند. این دانشجویان کانال مهمی باری انتقاد اندیشه‌ها و رویه‌های اسلام رادیکال به بوسنی و هرزگوین به شمار می‌رفتند. (Racimora, 2013: 13)

ب- نقش رسانه‌های غربی

در اجرای یک عملیات روانی، رسانه‌ها نقش عمده‌ای دارند. «رسانه‌های اجتماعی، شامل صفحات اینترنتی و برنامه‌های کاربری مانند توئیتر، یوتیوب، فیس‌بوک و غیره است که مدلی از کنش و واکنش‌های ارتباطی با کمک تبادل اطلاعات میان پیغام‌گذار و پیغام‌گیر، محدودیت روش‌های سنتی ایجاد معنا را از بین می‌برد. رسانه‌ها با متحول کردن ارزش‌ها، باورها، اعتقادات، تصویرها، ادراک‌ها و ذهنیت‌های جامعه بسترهای لازم را برای پذیرش و اقتناع فراهم می‌آورند؛ این وضعیت به معنای اهمیت یافتن پیام‌ها، نمادها، اخبار و اطلاعات است.» (کریمی و گرشاسی، ۱۳۹۵: ۸۱)

در سینما نیز گرایش فزاینده‌ای به سمت درگیری و خشونت قابل مشاهده است. فیلم‌سازان گاه برای برانگیختن حس همدردی با تفسیر خود از تاریخ جوامع، منازعات با تصویرپردازی و روایتگری خاص خود به سپهر عمومی بکشانند. همان‌گونه که کوتل گفته است «امروزه رسانه‌ها به عرصه بی‌بدیلی برای مشاهده و ترویج خشونت بدل شده‌اند.» (Cottle, 2006: 2)

به نظر ویریلیو، درگیری و سینما به شدت یکدیگر مرتبط هستند. به نظر او حتی تحولات قابل مشاهده در درگیری‌ها پایه‌ی تحولات تکنولوژیک سینمایی دستخوش دگرگونی می‌شوند به بیان او «بدون بازنمود، جنگی وجود ندارد و سلاح‌های پیچیده نیز بدون اجرای بازی‌های روان‌شناختی حاصلی در بر ندارند، سلاح فقط ابزار تخریب نیست، بلکه ابزار تغییرات ادراکی و ذهنی نیز هست.» (Virillio, 1989:2) رسانه‌ها و به موازات آن عرصه سیاست بین‌الملل به سرعت در حال دگرگونی‌اند و بنابراین، رابطه بین خشونت، رسانه و فرهنگ پیچیدگی خاصی پیدا کرده است. رسانه‌های سنتی صرفاً به بیان خشونت نمی‌پردازند، بلکه پایه‌ی روزنامه‌نگاران، کارگردانان فیلم و سریال‌های خشن نیز هر چه بیشتر به عرصه نبرد رسانه‌ای در حال ورودند، در این سطح روانی، آنان در حال تصویرسازی و اجرای جنگ و آماده‌سازی افکار می‌باشند. (Thussu & Freedman, 2003: 4-5)

درحالی‌که سینما را می‌توان ابزاری زمینه‌ساز برای القا تفکرات و باورهای دلخواه به جمعیت هدف تلقی کرد، اینترنت نقش حیاتی برای تقویت توان گروه‌های تکفیری داشته است برای مثال، در فیس‌بوک بیش از ۸۰ میلیون کاربر عرب‌زبان وجود دارد. به‌طورکلی در فضای مجازی داعش برای حصول مقاصد تبلیغاتی خود از پنج روش سوده می‌برده است که عبارت‌اند از: ۱. ویدئو؛ ۲. چت روم؛ ۳. وب‌سایت؛ ۴. تصاویر و سرانجام استفاده از هشتگ‌ها، ریتوییت، و مانند آن. درواقع تاکتیک‌های تبلیغاتی، جذب نیرو، ترویج افراطی‌گری تمامی در فضای مجازی و آنلاین

رخ داد. قدرت رسانه‌های اجتماعی برای گروه‌های همچون داعش بسیار عظیم بود به طوری که دولت عراق دسترس به بسیاری از اکانت‌های رسانه‌های اجتماعی را که برای طرح حملات انتحاری و غیره مورد استفاده قرار می‌گرفتند مسدود ساخت. (Awan, 2017: 147)

۳- بازی‌های روانی مورد استفاده در عملیات روانی در جنگ‌های داخلی جهان اسلام

در این بخش به نه مورد از بازی‌های روانی مورد استفاده در عملیات روانی اشاره می‌شود. تاکتیک‌هایی در یک جنگ روانی به‌ویژه در شرایط وقوع خشونت‌های فیزیکی و ناآرامی‌های دامنه‌دار داخلی مانند وضعیت سوریه استفاده می‌شوند. تاکتیک‌های وسیع و گسترده‌ای را شامل می‌شوند و هرچند تبیین کامل آن‌ها در حوصله مقاله خارج است، اما شناسایی و تبیین مهم‌ترین تاکتیک‌های و بازی‌های مورد استفاده در عملیات روانی می‌تواند راهگشای مطالعات گسترده‌تر در این زمینه باشد. به بیان اریک برن «یک بازی روانی مجموعه‌ای سامانمند از کنش‌های متقابل مکمل یکدیگر است که هدف از اجرای آن رسیدن به نتیجه‌ای مشخص و قابل پیش‌بینی است. به بیان دیگر، مجموعه‌ای به‌هم پیوسته و تکرار شونده از کنش‌های متقابل توأم با انگیزه‌های پنهانی ... یا به قصد اجرای یک حقه است.» (Berne, 1964:48)

الف- اسب ترواً

اسب ترواً واژه‌ای کلی برای توصیف بیشتر بازی‌های روانی است. (شمیسا، ۱۳۹۲: ۴۱) در واقع به کمک این زیرساخت، غرب قادر می‌شود با نیرنگ عملیات روانی به ذهن و گفت‌وگوهای جامعه هدف نفوذ کرده به فتح قلعه و برج و باروهای آن پرداخته پیروز شود. برای این کار از ابزار گسترده‌ای برای تسلط بر غیر و رسیدن به سلطه‌گری استفاده می‌شود. لایه اجتماعی اسب ترواً نشان دادن چهره صلح‌جو، طرفدار آزادی بیان، اهل صداقت، انکار منافع مستقیم و غیرمستقیم مادی و معنوی خود در اوضاع پیش‌آمده، انکار نقش غرب در پیش آمدن بحران و غیره است، درحالی‌که لایه روان‌شناختی عملیات، فریب‌کاری، جذب مخاطب و پیشبرد اهداف است.

از سوی دیگر، گروه تکفیری داعش به گسترش قدرت خود به اسب ترواً غرب در منطقه اوراسیا تبدیل شد و بزرگ‌ترین خطر و تهدید را برای رقیب دیرینه او یعنی روسیه پدید آورد. به گفته الکساندر بورتنیکوف، فرمانده سرویس امنیت فدرال روسیه، اکنون بیش از ۲۹۰۰ تبعه روس در سازمان‌های تروریستی بین‌المللی شرکت دارند و حدود ۳۰۰ تن از آن‌ها هم‌اکنون برای اجرای جهان به روسیه بازگشته، اما وضعیت کاملاً تحت تسلط مجریان قانون قرار دارد. در ۲۰۱۵ تکفیری‌های داعش به روسیه اخطار کردند قصد دارند جنگ خونینی در قفقاز رقم بزنند.

(Belsky, 2016: 3)

از سوی دیگر، هم‌اکنون، یکی از مشکلات جهان اسلام مسموم شدن بخش‌های بزرگی از جمعیت با اندیشه‌های تکفیری و به تبع آن تشدید منازعات فرهنگی و قومی حاصل از آن است که با

بازگشت جنگجویان تکفیری بعد از شکست در سوریه، عراق، یمن و غیره به موطن اصلی خود به کانونی برای ائتلاف و تروریسم در آنجا تبدیل خواهند شد.

ب- نفی گذشته خود

درحالی‌که ریشه بسیاری از مسائل داخلی و منطقه‌ای جهان اسلام عربی به دخالت‌های استعماری قدرت‌های بزرگ و پیمان‌های استعماری همچون سایکس-پیکو، سور و لوزان (که هدف اصلی ترسیم ژئوپلیتیک جدید پس از فروپاشی عثمانی بود) بازمی‌گردد، غرب با پیام اجتماعی آزادی‌خواهی و صلح‌طلبی وارد عمل شده تلاش می‌کند خود را قدرتی بی‌طرف در رقابت‌های داخلی و منطقه‌ای جلوه‌گر سازد. در این مجموعه پیمان‌ها، ترکیب قومی، مذهبی، فرهنگی کشورها نادیده گرفته شد و بذر قهر و خشونت‌طلبی بستر مناسبی برای رشد و نمو پیدا کرد.

گرچه به نظر می‌رسید مصالحه بریتانیا و فرانسه پس از جنگ جهانی اول بر سر تقسیم نفوذ در منطقه جهان اسلام به نظم تازه ژئوپلیتیکی باثبات و پایداری منجر شود، ولی طی یک‌صد سال گذشته، در کمتر گوشه‌ای از جهان تعدد و توالی‌های جنگ‌های داخلی و برون‌مرزی، کودتاها و تروریسم به اندازه حوزه قرارداد سایکس-پیکو بوده است؛ بنابراین، غرب و متحدان او با نفی گذشته خود با به وجود آوردن شرایط بروز بزرگ‌ترین جنگ‌های نیابتی در منطقه، زمینه را برای تضعیف هر چه بیشتر دولت‌های مخالف از یک‌سو و اجرای طرح جهان اسلام جدید (که متضمن تضعیف جریان‌ات وحدت‌خواه عربی-اسلامی منطقه است) و تقویت رژیم صهیونیستی فراهم می‌آورد.

ج- آزادی بیان

به نظر می‌رسد اجرای این تاکتیک در جهان غرب به عهده متحدان اروپایی ایالات متحده امریکا گذاشته است. برپایی گردهمایی‌های صلح، ابراز آزادانه انتقادات (البته جهت‌دهی شده) در کنفرانس‌های گروه‌های مخالف دولت قانونی سوریه، و مانند آن از غرب چهره‌ای اصلاح‌طلب، صلح‌جو، اهل مدارا، و انتقاد به نمایش می‌گذارد درحالی‌که در لایه روان‌شناختی، یک بازی روانی برای شناسایی مخالفان و دامی برای به انزوا کشاندن رقبا و حذف تدریجی آنان در معادلات قدرت جوامع مسلمان از یک‌سو و دامن زدن به فرقه‌گرایی و تشنت هر چه بیشتر در منطقه است. درواقع، استفاده ابزاری نخبگان سیاسی غرب از فرقه‌گرایی به بهانه آزادی بیان موجب پررنگ شدن آن در قضایای بعد از بیداری اسلامی شد. به‌علاوه، همچنان که اشاره شد فرقه‌گرایی ابزار کارآمدی در دست خاندان آل سعود برای مدیریت تحولات جهان اسلام در سال‌های اخیر بوده است. به کمک این عملیات روانی، عملیات فرقه‌گرایی در جهان اسلام تبدیل به یک گفتمان شد، هویت‌های قدیم را چندپاره ساخت و بستر ژئوپلیتیکی جدیدی برای مداخله در جهان اسلام ایجاد کرد. فرقه‌گرایی جدید جهان اسلام کمک کرد تا با عقیم جلوه دادن خوانش سیاسی از اسلام

به کمک فرقه‌های افراط‌گرا زمینه برای حاکمیت خوانش سیاسی سکولار در آینده نزدیک این کشورها فراهم شود.

د- واعظ غیرمتعظ

در حالی که ریشه بسیاری از مصائب اجتماعی و سیاسی سوریه رقابت‌های جهانی و منطقه‌ای و ائتلاف‌ها و اتحادهای خارجی بوده است، در این بازی روانی غرب «همیشه در حال هشدار دادن، نصیحت، توصیه، راهنمایی، و حرف زدن بوده و در واقع با پیوند زدن ربط و بی‌ربط مسئله هیچ عملکرد واقعی برای حل مسئله از خود نشان نمی‌دهد، زیرا با واژه فروشی اهداف خود را به پیش می‌برد» (شمیسا، ۱۳۹۲: ۱۴۶) استفاده از ادبیات مبهم یا مفاهیم چندگانه، یکی از این روش‌هاست.

پژوهشگران بسیاری ریشه‌های فعالیت بنیادگرایی اسلامی ستیزه‌جو را در دهه ۱۹۷۰ جستجو می‌کنند که با تجاوز شوروی به افغانستان فرصتی مناسب برای آمریکا جهت نفوذ در خاورمیانه که با انقلاب اسلامی ایران در جهت بیداری اسلامی گام برمی‌داشت فراهم آورد. در این میان عربستان و پاکستان، متحدان سنتی آمریکا در منطقه، امکانات لجستیکی، آموزشی و مالی مناسبی برای تقویت گروه‌های افراطی در این کشور فراهم ساختند که موجب گسترش نفوذ معنوی و فکری گروه‌های افراطی همچون طالبان و سپس داعش حتی در جمعیت مسلمان مقیم غرب نیز گردید. در حالی که بخش‌های زیادی از اهل سنت به ستیزه‌جویی روی می‌آوردند آمریکا، عربستان و پاکستان این گروه‌ها و فرقه‌های جدید را وزنه تعادلی در برابر شهرت و محبوبیت انقلاب اسلامی ایران تلقی می‌کردند (Chaliand and Blin, 2007: 221-2).

از سوی دیگر، با دامنه‌دار شدن منازعات جهان اسلام، بازی شکل‌گیری هلال شیعه به اجرای گذاشته شد که یکی از اهداف آن اجرای عملیات روانی برای ساقط شدن حکومت متمایل به علویان در سوریه، مداخلات گسترده‌تر عربستان در کشورهای منطقه، ترویج اندیشه‌های سلفی و سپس تقویت حکومت‌های متمایل به اندیشه‌های وهابی یا سلفی بود. بسط تفکرات سلفی در واقع مهم‌ترین راهبرد حفظ نظام سیاسی اقتدارگرا و سنتی سعودی و زمینه مناسب جهت ارتقای نفوذ و نقش آفرینی منطقه‌ای عربستان محسوب می‌شود. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۲) به بیان رهبر معظم انقلاب، «مسئله تفرقه دنیای اسلام یکی از سیاست‌های اصلی استکبار است... مسئله هلال شیعی را مطرح می‌کنند، این نشان‌دهنده سیاست‌های تفرقه‌افکن است. اینکه امریکایی‌ها علی‌رغم تبلیغات فراوان، نسبت به همین گروه‌های تفرقه‌افکن تکفیری در عراق و سوریه مداخلات می‌کنند - احياناً در مواردی هم به آن‌ها به صورت بی‌خبر و مخفیانه کمک می‌کنند، عواملشان که به صورت صریح از آن‌ها حمایت می‌کنند - این نشان‌دهنده این است که نقش تفرقه‌افکنی از نظر دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان جمهوری اسلامی نقش بسیار برجسته‌ای است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۳/۱۴)

۵- انا شریک

در این بازی روانی دشمن به انتظار می‌نشیند به محض فراهم شدن شرایط مدعی اتحاد با آن حزب، گروه یا طایفه شده و یک شبه خود را صاحب ارث و میراث شرایط پدید آمده قلمداد می‌کنند. (شمیسا، ۱۳۹۲: ۵۳) اصولاً القای مفهوم جنگ‌های نیابتی با توسل به همین بازی روانی به اجرا درآمد. سخنان رهبر معظم انقلاب در این باره قابل توجه است که می‌فرماید: «امروز سیاست‌های خبثت‌آلود استکبار در منطقه ما ایجاد جنگ‌های نیابتی است؛ برای منافع خودشان، کشورهای منطقه یا گروه‌هایی در داخل کشورها را تحریک کنند و وادار کنند که به جان هم بیافتند و آن‌ها منافع خودشان را دنبال کنند؛ جیب کمپانی‌های اسلحه‌سازی را پر کنند، سیاست‌های اقتصادی اقتصاد نزدیک به ورشکستگی خودشان را ترمیم کنند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۲/۲۶)

از دیگر سو، در جنگ‌های عراق، شام و یمن، اصولاً هدف از ایجاد بی‌ثباتی این است که با راهبرد بی‌ثبات‌سازی سیاسی و گسترش جنگ داخلی اولاً شرایط برخورد‌های طایفه‌ای همچنین گسترش ترور و خشونت فراهم آمده سپس با فرسایشی شدن جنگ ائتلاف‌سازی و اتحاد با گروه‌های مورد نظر ایجاد شده و از سرایت بیداری اسلامی و مردم‌سالاری دینی به کشورهای اقتدارطلبی همچون کشورهای حاشیه خلیج فارس جلوگیری شود. همچنین به یاری چنین تاکتیکی توان این گروه‌ها برای ایجاد ناآرامی داخلی تضعیف شده و به سوی کشورهای جنگ‌زده منحرف می‌شود. از این گذشته، با شروع موج بیداری اسلامی، فرصتی برای غرب و عربستان به هدف تضعیف موقعیت ایران در موازنه قدرت منطقه‌ای به دست آمد تا ائتلاف مزبور بتواند با شریک‌نمایی خود در مشکلات آوارگان و حتی اپوزیسیون منطقه شرایط را به سود خود تغییر دهد.

و- حذف صورت مسئله

در این بازی روانی، با راه انداختن سیاست یک بام و دو هوا از یک طرف ریشه‌های تشکیل گروه‌های خشونت‌طلبی که آشکارا دل‌بستگی ایدئولوژیک و راهبردی با قدرت‌های منطقه‌ای همچون عربستان سعودی، ترکیه، امارات و قطر دارند نادیده گرفته می‌شود و از سوی دیگر مقصر اصلی در بحران ایران و روسیه نشان داده می‌شود. در چنین بازی روانی، در واقع غرب هدف «رد گم کردن و انحراف افکار عمومی» را دنبال می‌کند که نهایتاً ممکن است به ایجاد تفرقه در سطوح مختلف و ایجاد غفلت از دشمن به خصوص اغفال خواص و نخبگان بیانجامد.

با آغاز بیداری اسلامی در منطقه غرب و سعودی‌ها زمینه را برای تحکیم دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در منطقه فراهم دیده تلاش کردند با به راه انداختن جنگ‌های نیابتی مانع از گسترش نفوذ ایران در منطقه گردند. یکی از دلایل صف‌بندی جدید اعراب از ۲۰۱۱ به بعد به رهبری عربستان ایجاد وزنه تعادلی علیه تهدید جدید و هژمونی ایران در افق جدید جهان اسلام بود.

شروع موج جدید انقلاب‌های عربی، سعودی‌ها - که به لحاظ سنتی نقش حفظ وضع موجود و قدرت ارتجاعی منطقه را بازی می‌کردند - از یک سو تلاش کردند در برخی مناطق نقش نیروی تحول‌خواه (مانند تلاش برای حذف اسد از صحنه قدرت سیاسی سوریه) را بازی کنند و در برخی دیگر (مانند حفظ صالح در ساختار قدرت یمن) به‌منابۀ نیرویی ارتجاعی طرفدار وضع موجود به ایفای نقش پرداختند. (Benedetta & Guzansky, 2014: 25)

بنابراین، به‌رغم آشکار بودن رد پای سعودی‌ها در قضیه ۱۱ سپتامبر، جنگ داخلی سوریه، عراق و یمن، کوشیدند ایران را مقصر اصلی جلوه داده با طرح مسئله جنگ‌های نیابتی در واقع صورت مسئله اصلی (ریشه‌های تشکیل گروه‌های تکفیری، کشاندن پای قدرت‌های بزرگ به تحولات جهان اسلام، جنگ و ویرانی، کشتار شیعیان وغیره) را حذف کنند. برای نمونه، گرچه مروجان اصلی افراط‌گری گروه‌های تکفیری متحدان غرب همچون پاکستان و عربستان سعودی بوده‌اند، اما برخلاف مبارزه غربی‌ها با جریان‌های ضد صهیونیسم یا نازیسم و کمونیسم در کشورهای خود، به بهانه آزادی بیان، حاضر به اذعان بدین امر نبوده و حتی در دوران اوباما ۲۸ صفحه از گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر مربوط به دخالت سعودی‌ها در این قضیه حذف و هرگز منتشر نشد.

ز- نوشاروی پس از مرگ سهراب

در این بازی روانی زمانی راهکارها و پیشنهادها بیان می‌شود که دیگر همه چیز بر باد رفته و زمانی به کمک می‌آید که دیگر دیر شده است. در این بازی، غرب و ائتلاف منطقه‌ای او قادر می‌شود خود را تبرئه کند تا مورد سرزنش قرار نگیرد. او مزرعه را آتش می‌زند و بعد از خاکستر شدن در نقش ناجی وارد می‌شود که قصد اصلاح و آبادانی دارد تا در جامعه جهانی به‌عنوان طرفدار صلح و دوستی مطرح شود. (شمیسا، ۱۳۹۲: ۵۱)

با پایان جنگ‌های نیابتی در منطقه قدرتهای منطقه‌ای و جهانی از شرایط موجود برای کاشت و برداشت محصولات جدید بهره‌برداری خواهند کرد. برای نمونه، کمتر از یک هفته پس از اعلام پایان حضور نظامی منسجم داعش در سوریه و عراق، عربستان سعودی وزرای دفاع ۴۰ کشور مسلمان را در ریاض دور هم جمع کرد تا از دستور کار به‌ظاهر منسجم ائتلاف اسلامی نظامی مبارزه با تروریسم سخن بگوید. همچنین ترامپ اخیراً با اعلام پیروزی خودخوانده علیه نیروهای داعش در سوریه اقدام به عقب‌کشیدن نیروهای آمریکا از سوریه نمود. قدرت‌های مزبور همیشه از مبارزه با ایدئولوژی و تامین مالی گروه‌های تروریستی دم می‌زنند و از سوی دیگر با به قدرت رسیدن عملی محمد بن سلمان در عربستان سعودی تلاش می‌کنند الگوی رهبری مدرن و سکولار را برای کشورهای منطقه ترسیم کرده مبنای جدیدی برای ائتلاف با غربیان و استمرار حضور فکری و معنوی آنان در منطقه پدید آورند.

ح- فرقه‌های خشونت‌طلب و اسلام‌ستیزی امریکایی

به بیان رهبر معظم انقلاب «دستگاه‌های عظیم تبلیغاتی در دنیا که تحت سلطه سیاستمداران غربی هستند، به بهانه اقدامات عده‌ای شرور و تروریست، اسلام‌ستیزی به راه می‌اندازند و توطئه‌های پشت پرده سیاسی، کار را در مبارزه فرهنگی مشکل می‌کند.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۵/۲۴) بی‌تردید پدیده داعش در جهان اسلام بیش از آنکه به لحاظ نظامی حائز اهمیت باشد به لحاظ فکری و عقیدتی دارای اهمیت است به‌گونه‌ای ریشه دوانیدن آن در دنیای اسلام و حتی کشورهای غربی سربرآوردن دوباره آن را در آینده محتمل می‌کند.

درواقع، همین‌که دولت خودخوانده اسلامی بخش‌های عظیمی از شمال باختری عراق و شرق سوریه را در تابستان ۲۰۱۴ زیر سیطره خود درآورد، مناقشات گسترده‌ای در منطقه و جهان پیرامون ریشه‌های فرقه‌گرایی و ایدئولوژی افراط‌گرایی در منطقه و جهان درگرفت. به بردگی گرفتن صدها زن ایزدی در سنجار، قتل‌عام دست‌کم ۱۵۰۰ سرباز شیعه در تکریت، و صدها تن از اعضای قبال سنی در سوریه و عراق، ذبح گروگان‌های غربی و غیرنظامیان سوری و عراقی نگرانی‌های عمومی زیادی برانگیخت و به‌سرعت بدل به بازی سرزنشگری مذهبی و سیاسی جدیدی شد. (Hassan, 2016: 10)

احتمالاً مهم‌ترین بازی روانی داعش استفاده از خشونت به هدف پیشبرد اهداف خاص ایدئولوژیک بوده است. خشونت را «کاربرد نیروی فیزیکی و تهدید ناشی از کاربست نیروی فیزیکی که می‌تواند لطمات جسمانی یا معنوی بر اشخاص بگذارد» (افتخاری، ۱۳۷۸: ۲۳) تعریف کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک و توییتر برای ترویج گسترده خشونت و ایدئولوژی افراطی‌گرایی اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند که هدف از آن اثبات توانایی افراطیون در استفاده و توزیع پیام‌های خشونت‌آمیز و ضربه به وجهه اسلام است. برای نمونه گزارش شده است که داعش با استفاده از هشتک جام جهانی اقدام به انتشار تصاویر قطع سر کرد که با این عبارت همراه بود: «این توپ مال ماست. فقط روی آن پوست کشیده شده است.» (Awan, 2017: 142)

تأثیر این بازی روانی را عمدتاً در بازتاب آن بر جمعیت‌های غیرمسلمان می‌توان مشاهده کرد که القای عدم تحمل از مکتب اسلام و تضعیف مفاهیم انسان‌ساز و آزادی‌بخش آن نزد افکار عمومی و حتی روشنفکران و متفکران از جمله اهداف قابل‌تحلیل آن است.

ط- پراکنش خرافات

این بازی عمدتاً توسط نهادها و مؤسساتی که با حمایت مالی و سیاسی سعودی، قطر و امارات متحده تشکیل و ادامه یافته‌اند، اجرا می‌شود. در این بازی به هدف تخریب چهره اسلام و حتی مبانی ایدئولوژیک آن، با ترویج خرافات شکلی از فرهنگ جهالت قرون‌وسطایی در منطقه و جهان ترویج و درواقع بزرگ‌ترین ضربه به بیکره جهان اسلام وارد آمده است.

داعش به لحاظ فکری به شدت مدیون وهابیت است و بیشینه مفاهیمی که برای قانون گذاری و تحکیم حاکمیت خود مورد استفاده قرار می داد از این مکتب ملهم بوده است. تعاریف خاص وهابیت از مفاهیمی چون مقاصد، بدعت، شرک، الولاء و البراء نمونه هایی از آن است که شرح آن ها از حوصله مقاله حاضر خارج است.

قانون جزای دولت اسلامی عمدتاً ملهم از قانون جزای وهابیت بوده که در عربستان سعودی نهادینه شده و در سایر کشورهای مسلمان کمتر کاربرد سیستماتیک داشته است. (Hassan, 2016: 5) از دیدگاه داعش، مهم ترین دشمنان اسلام دشمنان داخلی هستند به گونه ای که غرب را دشمن دوری می پندارند که با حمله به دشمن نزدیک (مسلمانان منطقه به ویژه شیعیان) می توان آن ها را نیز به صحنه نبرد کشانید و مورد حمله قرار داد. به همین سبب حامیان الضرغواوی با حمله به حرم مطهر حرم امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) در سامرا به سال ۲۰۰۶ موفق به برافروختن جنگ داخلی تازه ای در عراق شدند. جهاد و کشتار علیه شیعیان با نظرات رهبران ارشد القاعده در تضاد بود در ۲۰۱۴ حتی باعث شد این گروه رسماً از داعش اعلام جدایی کند. (Hassan, 2016, 9-10)

حتی به باور دولت اسلامی داعش تبیین (تفتیش عقاید) گاه برای تشخیص مسلمان بودن واقعی افراد لازم است، یکی از دلایل تکفیری نامیده این گونه گروه ها نیز همین رویه بوده است که «ریشه های فکری آن را در دهه ۱۹۶۰ در اندیشه های سید قطب می توان یافت.» (Hassan, 2016: 18)

ی- القای تشتت های ترمیم ناپذیر

دولت واره ای که داعش به نام خلافت ایجاد کرد مبانی دولت مدرن را به چالش می کشید که خصیصه بارز آن تشکیل نیروی مرکزگرای چالشگر بود. گروه های نوپدید سلفی-جهادی تحقق خواست های خود را منوط به برقرار خلافت کردند. سلفیسم جهادی ایدئالیسم از میان برداشتن دولت مدرن و تأسیس خلافت به مثابه واحدی سیاسی اسلامی را به هدف خود تبدیل کرد (کیوان حسینی و محمدی نیا، ۱۳۹۶: ۱۳۹-۱۳۵) اما در عمل افراط گرایی، در بین خود اهل تسنن نیز نه تنها موجب همگرایی و وحدت نشد، بلکه بالا گرفتن تشتت ها زخم های جبران ناپذیری بر وحدت جهان اسلام بر جای نهاد که یکی از آن ها تشتت در گفتمان وحدت و پیچیده تر شدن راه های حصول آن است.

یکی از تأثیرات روانی کوبیدن بر طبل تکفیر و افراط گرایی، فرورفتن جهان اسلام در درگیری های داخلی و پیدا شدن آرمان امت واحده اسلامی خواهد بود. علمایی همچون اقبال لاهوری، آیت الله بروجردی و امام خمینی در اندیشه همگرایی اسلامی بودند، اما جریان های تکفیری با پشتیبانی بین المللی و منطقه ای از آن ها باعث خدشه دار شدن این سنت فکری می شود. (ملکوتیان و حقی، ۱۳۹۶: ۶۹)

۴- نتیجه‌گیری

در این نوشتار، با تبیین اوضاع سیاسی و اجتماعی منطقه بر مبنای نظریه سازه‌باوری تأثیر متقابل ذهن و عین بر قرائت‌های ایدئولوژیک و ذهنی در جهان اسلام با تأکید بر یک دهه اخیر و نقش قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نشان داده شد که چگونه طرح قدیمی قدرت‌ها برای جهان اسلام به نزاع‌های فرقه‌ای و جنگ‌های داخلی منطقه منجر شد.

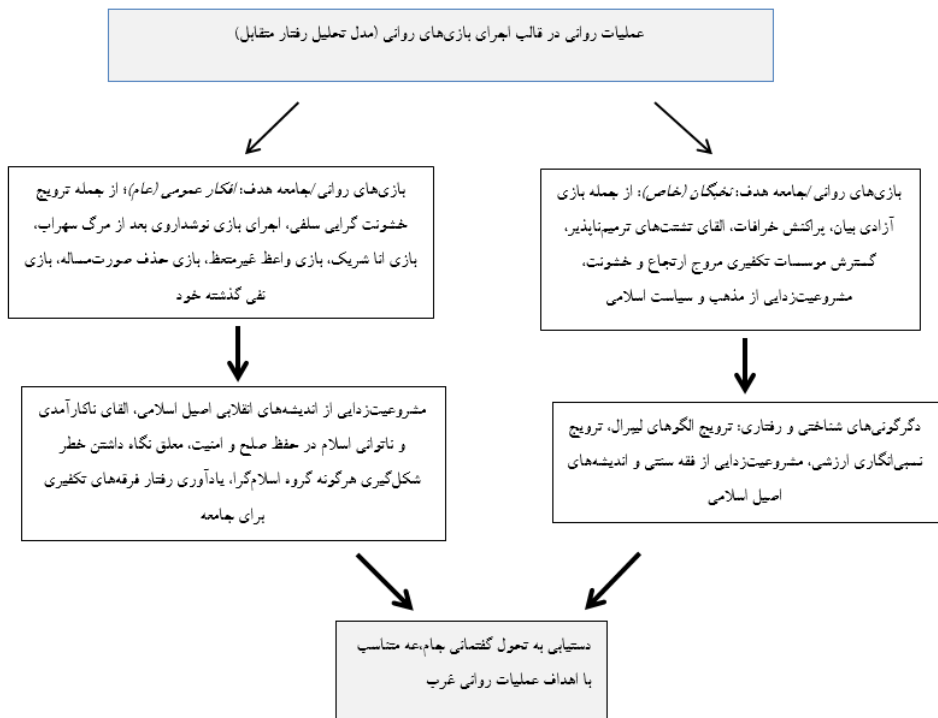
نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن برای تحلیل نزاع‌های فرقه‌ای و تأثیرات روانی و ذهنی آن بر افکار عمومی و حتی تصمیم‌سازان سیاسی مورد استفاده قرار گرفت؛ در بازی‌های روانی دشمن می‌توان دو هدف کلی را از یکدیگر متمایز کرد: ۱. نخبگان سیاسی و فرهنگی جامعه؛ ۲. بدنه عمومی جامعه.

به یاری مفهوم بازی روانی اریک برن نشان داده شد که به‌کارگیری طیف وسیعی از مؤلفه‌های قدرت نرم از مؤسسات مذهبی وهابی و ترویج اندیشه‌های سلفی-جهادی گرفته تا به‌کارگیری رسانه‌ها مدرن به‌سان اسب تروای غربیان برای ترویج الگوهای غلط و انحرافی و تضعیف قدرت نرم جهان اسلام به‌ویژه روایت اصیل و انقلابی ایران بکار گرفته شد که هدف آن مشروعیت‌زدایی، تردیدافکنی در ارزش‌ها و باورهای اصیل اسلامی از یک‌سو و ایجاد زمینه باور به ارزش‌ها و اهداف دشمن از سوی دیگر بود.

در بخش سوم به یاری نظریه برن نه بازی روانی که می‌تواند تأثیرات ماندگار در سطح افکار عمومی و حتی گفتمان‌سازی در منطقه داشته باشد. در این میان می‌توان قائل به تفکیک شد تعدادی از این دسته عملیات یعنی بازی روانی واعظ غیرمتعظ (همچون طرح مسئله هلال شیعیه)، آزادی بیان، پراکنش خرافات و القای تشتهت‌های ترمیم‌ناپذیر را به‌مثابه اجرای هدف ارائه الگوهای لیبرال، اشاعه نسبی‌انگاری ارزشی و دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و سیاسی است که درصدد دستیابی اثرگذاری ریشه‌ای‌تر به یاری تأثیر بر نخبگان فرهنگی و سیاسی است. به‌عبارت‌دیگر، جامعه هدف در این سطح از بازی روانی، نخبگان هستند.

به‌عبارت‌دیگر، در سطح نخبگان بازی‌های روانی هدفی متفاوت از تأثیرگذاری بر افکار عمومی را دنبال می‌کند که به بیان مقام معظم رهبری «استحاله فرهنگی» است. که همانا اشاعه همان‌طور کگی گفته است «گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمان‌ها همواره متضمن هماهنگ کردن زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باورداشتن، احساس، بدن‌ها، لباس‌ها، نمادهای غیرزبانی، اشیاء، ابزارها، تکنولوژی‌ها، زمان و مکان است.» (Ge, 1999: 25) درواقع، تعریف انسان‌ها از زندگی اجتماعی محصول برداشت‌های تاریخی و فرهنگی از جهان است. گفتمان که حاصل این تعامل، ارزش‌گذاری‌ها و غیره است در تفکر جامعه حامل خود واقعی و حقیقی به نظر می‌آید، درحالی‌که بازتاب کامل و دقیق «جهان خارجی» نیست، بلکه واقعیت‌های روانی ذهنی محصول پیام‌هایی است انسان‌ها از جهان خارج کسب می‌کنند. انسان‌ها به یاری پیام‌ها و

موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرند تجربه‌های خود را تعریف می‌کنند. در پایان، برای ساده‌سازی تأثیرات متقابل می‌توان نمودار زیر را ارائه کرد:



کتاب‌نامه

الف) کتب

۱. شمیسا، علی، ۱۳۹۲، بازی‌های روانی مردم، تهران: نسل نواندیش.

ب) مقالات

۲. افتخاری، اصغر، (۱۳۷۸)، «ظرفیت طبیعی امنیت، (مورد مطالعاتی قومیت و خشونت در ایران)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، صص ۶۲-۲۳.
۳. پورهادی، ابراهیم؛ نوری، قباد، (۱۳۹۴)، «تأثیر عملیات روانی رسانه‌های غربی بر امنیت سیاسی-اجتماعی (مطالعه موردی: نظامیان مستقر در غرب کشور)»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۱۴۷-۱۱۷.
۴. کریمی، علی؛ گرشاسبی، رضا، (۱۳۹۵)، «شیوه‌های بسیج سیاسی گروه‌های تکفیری، مطالعه موردی سوریه»، دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۰۸-۷۷.
۵. کیوان‌حسینی، سید اصغر؛ محمدی‌نیا، طیبه، (۱۳۹۶)، «مفهوم دولت در گفتمان داعش، فصلنامه دولت پژوهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۵۶-۱۲۱.
۶. چوکامی، سیامک؛ قربانی، مصطفی، (۱۳۹۵)، «ماهیت شناسی خشونت در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۵۰-۲۵.
۷. ملکوتیان، مصطفی؛ حقی، محمد، (۱۳۹۶)، «چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۴۰، صص ۸۲-۶۵.
۸. ملکی، سعید؛ حاتمی، داود، (۱۳۹۲)، «جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن با الهام از دیدگاه مقام معظم رهبری»، دوفصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال ۸، شماره ۷۶، صص ۸۲-۶۶.
۹. نجات، سید علی، (۱۳۹۳)، «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۸، صص ۶۵۵-۶۳۱.

د) انگلیسی

10. Agius, Christine, (2013) "Social Constructivism." In Allan Collins (Ed.) *Contemporary Security Studies*, Oxford, Oxford University Press.
11. Awan, Imran, (2017) *Cyber-Extremism: Isis and the Power of Social Media*, *Social Science and Public Policy*, This article was published with open access at Springerlink.com, Last Access 2/13/2018.
12. Belsky, A.N. (2016) 2/12/2018 (MTH-No.004) The Islamic State Is a Trojan Horse for Eurasia, (PDF) *Military Thought*. 25. 1-10. www.researchgate.net

13. Berti, Benedetta & Guzansky, Yoel, (2015) Saudi Arabia's Foreign Policy on Iran and the Proxy War in Syria: Toward a New Chapter? *Israel Journal of Foreign Affairs* Vol. 8, Iss. 3, 2014, 25-34.
14. Berne, Eric, (1964) *Games people play*. New York: Grove Press
15. Chekinov, S. C. & Bogdanov, S. A. (2015) Retrieved 2015/02/11, The Nature and Content of a New-Generation War (PDF). United States: *Military Thought*. ISSN 0869-5636. M, 16 pages.
16. Chaliand, Gérard; Arnaud Blin (2007). *The History of Terrorism from Antiquity to AlQaeda*, Translated by Edward Schneider. Kathryn Pulver, Jesse Browner, California, University of California Press. Ltd.
17. Cottle, S. (2006) *Mediatized conflict: Developments in media and conflict studies*. Maidenhead, UK: Open University Press.
18. Casebeer, William D, and Russel. James A. (2005) "Storytelling and Terrorism: Towards a Comprehensive Counter-narrative Strategy." *Strategic insights, Center for Contemporary Conflict at the Naval Postgraduate School*, 4(3). (PDF)
19. Farrell, T. (2002) Constructivist Security Studies: Portrait of Research Program, *International Studies Review*, 4, 1: 49-72.
20. Hassan, Hassan, (2016), Last access, 2/12/2018, The Sectarianism for the Islamic State, Ideological Roots and Political Context, (PDF, 38 pages), *Carnegie Endowment for International Peace (Publications Department)*, June, *CarnegieEndowment.org*.
21. Hopf, Ted. (1998) The Promise of Constructivism in International Relations Theory, *International Security*, Vol. 23, No. 1 (summer), pp. 171-200.
22. Lacroix, Stephane, (2011) *Awakening Islam: The Politics of Religious Dissent in Contemporary Saudi Arabia*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
23. Mabon, Simon, (2013) *Saudi Arabia and Iran, Soft Power Rivalry in the Middle East*, London: I. B. Tauris.
24. Matsumura, Masahiro, (2008), Last access 2/22/2018, The Japanese State Identity As A Grand Strategic Imperative *Washington: The Brookings Institution*, (PDF), www.brookings.edu.
25. Nerijus Maliukevičius, (2006) "Geopolitics and information warfare: Russia's approach" *Lithuanian annual strategic review*; 134-142.
26. Nevo, Joseph, (1998), (Published online: 06 Dec 2006), "Religion and National Identity in Saudi Arabia" in *Middle Eastern Studies*, Volume 34, 1998, Issue 3 (PDF) (<https://doi.org/10.1080/00263209808701231>), Pages 34-53.
27. Gee, James Paul, (1999) *An Introduction to discourse analysis: Theory and method*. Routledge.
28. Szunyogh, Béla, (1955) *Psychological warfare; an introduction to ideological propaganda and the techniques of psychological warfare*. United States: William-Frederick Press. p. 13. Retrieved 2015/02/11.
29. Racimora, William, (2013) Last access, 2/5/2018, Salafist/Wahhabis financial support to educational, social and religious..institutions: <http://www.europarl.europa.eu/activities/committees/studies.do?language=EN>,
30. Thussu, D., & Freedman, D. (2003) *War and the media: Reporting conflict 24/7*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.

31. Virilio, Patrick Camiller, (1989) *War and cinema: The logistics of perception*. London, Verso.
32. Wall, Tyler, (2014) “US Psychological Warfare and civilian targeting”, London: *Peace Review: A Journal of Social Justice*, 288-294.
33. Wendt Alexander, (1998) *Social Theory of International Politics*; Cambridge: Cambridge University Press.
34. Wendt, Alexander, (1992) “Anarchy is what States Make of it: The Social Construction of Power Politics” In: *International Organization*, Vol. 46, No. 2 (Spring), 391-425
35. en.wikipedia.org/wiki/Sahwa_movement, Last access 2/13/2018.